



در این دنیای مغموم و فانی فریاد کنم به سوی سما

من افسرده در زیرگناهم خداوندا بر من رحم نما

این قلب نالان در پی شادی تنهای تنها و بی نوا

قلبم شکسته پر درد و خسته خداوندا بر من رحم نما

این روح عاصی آواره گشته در پی لذات دور از خدا

در بیابان این عمر باطل خداوندا بر من رحم نما

توبه میکنم از گناهانم با اشکهای تلخ کنم دعا

هرچند نالایق سویت می آیم خداوندا بر من رحم نما

شعر و آهنگ: هایک هوسپیان

